

در حاشیه سفر هیات بازرسی حقوق بشر به ایران

رضا اکرمی

است، این هیئت قرار است اوائل ژوئن، گزارش نهائی خود را منتشر نماید، اما پیش از آن در ماه آوریل گزارش مقدماتی خود را تسلیم کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل خواهد کرد. انفعال نیروهای مدافع حقوق بشر و آزادیخواه ایرانی، بویژه در خارج از کشور، چنان که همزمان با سفر هیئت شاهد آن بودیم، البته جا دارد در همین جا از تلاش های جامعه مدافع حقوق بشر بویژه آقای عبدالکریم لاهیجی ... قدرانی شود) هر گاه قرار باشد تداوم یابد، بیم آن خواهد بود که امسال نیز جمهوری اسلامی موفق گردد تا با مانورهای سیاسی از حکومت این کمیسیون رهائی یابد.

و این در حالی ست که اوضاع سیاسی در سطح بین المللی و داخل کشور، به گونه ای ست که دست رژیم بیش از هر زمان جهت خودداری از بازدید نهادهای مدافع حقوق بشر، و حتی کنترل موازین و بنیان های بین المللی و ملتزم نمودن آنها به اجرای این قواعد، بسته تر است. چنانکه اجماع عمومی سران رژیم در قبول سفر هیئت اخیر نیز، بازتاب همین واقعیت است.

نقض خشن حقوق بشر در ایران، واقعیتی است کتمان ناپذیر. مردم ما با گوشت و پوست خود، هر روز در عرصه های مختلف اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، قومی، عقیدتی و مدنی، شاهد اعمال خشونت، زورگویی و سرکوب ارگانهای ریز و درشت نظامی و انتظامی، ایدئولوژیک و عقیدتی رژیم، آنها در کلیت آن می باشند و نه صرفاً "گروههای خودسر" و "لیاس شخصی" که نام رمز ارگانهای منتسب به بیت رهبرند. هر چند برچیدن بساط این دستگاه استبداد و خودکامگی، در گرو رشد مبارزات مردمی در ایران است و این نیز بیش از هر چیز در گرو اتحاد و همبستگی ما در چنین مبارزه ای ست، اما وادار نمودن حکومت به قبول و اجرای کامل میثاق های بین المللی و مخاطب قرار دادن این نهادها به اجرای مسئولیت شان، وظیفه ای ست که بار آن بیش از هر زمان دیگر بر دوش احزاب، سازمانها، شخصیتهای اجتماعی - سیاسی ایرانی در خارج از کشور است و در آستانه بررسی مجدد پرونده ایران در کمیسیون حقوق بشر، بجاست از مبرمیت لازم برخوردار گردد.



آوردند و آنجا هم که مجبور به پذیرش چنین دیداری می شوند، تلاش می نمایند از حوزه عمل آنها بکاهند، تردیدی وجود ندارد. اما قبول چنین محدودیت هائی در کار هیئت و یا محدود کردن عرصه تحقیق به آنچه که بازداشت های خودسرانه نام گرفته است، آنهم از جانب کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل، یعنی نهادی رسمی که وظیفه ای جز بررسی همین امور را بعهده ندارد، سوال برانگیز است. البته آقای ژوانه، پس از بازگشت از ماموریت خود، در جمع خبرنگاران اعلام داشت که ما سوالاتی از طریق "کمیسیون حقوق بشر اسلامی" در اختیار مقامات ایرانی قرار داده ایم و قرار است تا اوایل آوریل، پاسخ آنها را دریافت نمایم. اینکه محتوای این سوالات چیست، تاکنون برای افکار عمومی ناروشن است. از سوی دیگر گفته می شود که کار گروه کار مذکور با اعزام دو هیئت دیگر به منظور رسیدگی به ناپدید شدگان و "موارد احتمال شکنجه" و همچنین، خشونت

شرایط و حدود اختیارات هیات های تحقیق بین المللی در مورد نقض حقوق بشر را نهادهای بین المللی باید تعیین کنند و نه دولت های ناقض حقوق بشر

علیه زنان و وضعیت آزادی بیان در ماههای آوریل و مه امسال، تکمیل خواهد شد. که بدون تردید باید منتظر نتایج این قول ها بود. اما برای کسانی که بدون ملاحظه کاری های حسابگرانه و بده بستان های سیاسی، به سرنوشت قربانیان خشونت، شکنجه و آزار، بویژه محبوسینی که دستشان از هر مرجع دادخواهی کوتاه است، می اندیشند، این گفته آقای لوئی ژوانه امیدوارکننده نیست، آنجا که می گوید: "ما صرفاً" و منحصراً" برای بررسی جنبه های قضائی بازداشت و یا علت زندانی شدن افراد رفته ایم و اگر هم زندانیان در نظر داشتند در مورد رفتار ماموران با زندانیان یا فشار بر آنان یا وضعیتشان در سلول با ما صحبتی کنند، ما ناگزیر بودیم به آنان یادآور شویم که تحقیقات ما فقط در مورد نحوه و علت بازداشت افراد صورت می گیرد و خود ما هم سعی داشتیم از طرح سوال هائی درباره جنبه های دیگر خودداری کنیم."

خودداری از جنبه های دیگر نقض حقوق بشر، آنجا نگران کننده تر می شود که قرار باشد با همین نگاه و ارزیابی، گزارشی تهیه شود که ظاهراً می بایست مبنای تصمیم کمیسیون حقوق بشر در مورد تداوم یا بهبود وضع حقوق بشر در ایران قرار گیرد. چنانکه در همان کنفرانس مطبوعاتی اعلام گردیده

در اواخر بهمن ماه (نیمه دوم فوریه) گروهی متشکل از پنج نماینده کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل، به منظور تحقیق پیرامون "بازداشت های خودسرانه" و بررسی عملکرد "قوه قضائیه جمهوری اسلامی" در ارتباط با همین "خودسریها"، به ایران سفر نمود.

این هیئت که ریاست آن را آقای لوئی ژوانه بعهده داشت و بنا به گفته خود وی، پیش از این از حدود ۱۲۰ زندان در کشورهای مختلف جهان دیدار کرده بود، از چند زندان ایران از جمله تهران و شیراز دیدار کرد، با گروهی از زندانیان سیاسی پیشین و آنهایی که همچنان در زندان می باشند به گفتگو نشست و چنانکه طی مصاحبه مطبوعاتی رئیس هیئت اعلام گردید، همزمان با حضور این هیات امکان آزادی پنج هم میهن یهودی که به جرم جاسوسی در زندان شیراز محبوس بودند، فراهم گردید و بالاخره این هیات با مقاماتی از وزارت خارجه، کشور، دادگستری و قضات دادگاه های انقلاب اسلامی پیرامون نحوه کارکرد "دستگاه قضائی اسلامی" مذاکره نمود.

البته همانطور که می دانیم دامنه تحقیق این گروه کار نه تنها محدود به مورد پیش گفته بود، و سایر زمینه های نقض حقوق بشر را دربر نمی گرفت، بلکه در همین عرصه نیز باید و نبایدهای آنها از پیش تعیین شده و به آنها ابلاغ گردیده بود. بعنوان مثال، منطقه کردستان ایران گویا جزئی از خاک

کشور ما نبود و از قضا، همزمان با حضور هیئت در تهران، در روز چهارشنبه ۲۰ بهمن (۱۹)

فوریه) آقای ساسان آل کنعان، مبارزی از "سازمان انقلابی زحمتکشان کردستان ایران (کومه له)"، که چهار ماه از دستگیری وی می گذشت، در زندان به جرم فعالیت سیاسی به دار آویخته شد. آنطور که گفته شد سفر به کردستان از جمله حوزه های ممنوعه بود، که می بایست از دید هیئت مذکور پوشیده بماند.

همزمان با حضور کارشناسان سازمان ملل در تهران که بدنبال وقفه ای هفت ساله و ممانعت از حضور آقای موریس کاپیتورن، گزارشگر پیشین کمیسیون حقوق بشر صورت پذیرفته بود. گروه کثیری از خانواده های قربانیان قتل و جنایت و شکنجه در جمهوری اسلامی با حضور این هیات دست به واکنش زده و در مقابل محل استقرار هیات دست به تجمع زدند.

البته اجتماع دادخواهان این خانواده ها، که در میان آنها بسیاری خود زخم شکنجه و زندان را بر جسم و جان خود داشتند، در مقابل محل اقامت هیئت تحقیق، در هتل لاله تهران از طرف نیروهای انتظامی رژیم مورد حمله قرار گرفت. گروهی مجروح و تعدادی بازداشت شدند و تا لحظه حاضر از سرنوشت برخی از این بازداشت شدگان اطلاعی در دست نیست.

در اینکه مقامات جمهوری اسلامی به دلایلی کاملاً واضح، از بازدید سازمان های بین المللی مدافع حقوق بشر از ایران ممانعت به عمل